

تاریخ پنهان آیت چہلم — شمارہ انتیس

حزقیئیل نمبر دس

Jeff Pippenger

2026-08-31

در کتاب حزقیال، خطوط نبوی و حقایق شگفت انگیز و مهم بسیاری وجود دارد. از میان تصاویر کتاب مقدسی انبیا در درون ہیکل، حزقیال بیش از ہمہ کسی است کہ چرخہا را در میان چرخہا مشخص می سازد. آن چرخہا، بنا بر گفتہ خواہر وایت، نمودار تعامل پیچیدہ فعالیت انسانی ہستند کہ توالی رویدادہا را در زمان باران آخر بہ تصویر می کشند. آن رویدادہا توسط نبی بازنمایی می شوند، ہنگامی کہ او در قالب مَثَلی عملی شدہ، خود جزئی از نبوت می گردد؛ چنان کہ وقتی حزقیال در تصویر باب چہارم دربارہ محاصرہ اورشلیم، نخست بر پهلوی چپ و سپس بر پهلوی راست خود می خوابد. ہمچنین سیزدہ تاریخ مشخص وجود دارد کہ تاریخ حزقیال را ترسیم می کنند، و بدین سان نشانہہای راہ دورہ باران آخر را فراہم می آورند، زمانی کہ آن یکصد و چہل و چہار ہزار نفر مہر می شوند. حقایقی وجود دارند کہ نہ تنها از طریق تاریخہا، بلکہ ہمچنین از طریق اعدادی چون ہفدہ، نوزدہ، بیست و پنج، ہفتاد، چہل، سیصد و نود، و البتہ سی منتقل می شوند. عدد دیگری کہ شاید مہم ترین عدد در کتاب حزقیال باشد، عدد یکصد و پنجاہ است. با این حال، عدد یکصد و پنجاہ در کتاب حزقیال یافت نمی شود. با این ہمہ، سطر بر سطر—آنجا است.

شمارہ یک صد و پنجاہ بہ گونه ای نبوی در درون خط محاصرہ نہفتہ است، و محاصرہ خود یک خط نبوی متمایز است؛ یا اگر بخواید، محاصرہ یک چرخ است. یک خط نبوی تاریخ ہموارہ الفا و امگا خواہد داشت، و از این رو ویژگی ہای الفا و امگا باید در آغاز و پایان آن خط نمایان باشد، و گرنہ آن خط نیست. رویداد الفا محاصرہ مرگ ہمسر حزقیال بود، و پایان محاصرہ مرگ عروس مسیح بود، چنان کہ در ویرانی اورشلیم بازنمایی شدہ است.

اور من، یوحنا، شہر مقدس، نئے یروشلم کو آسمان میں سے خدا کے پاس سے اُترتے دیکھا، جو اپنے شوہر کے لیے آراستہ دلہن کی مانند تیار کیا گیا تھا۔ اور میں نے آسمان میں سے ایک بلند آواز سنی جو کہتی تھی: دیکھ، خدا کا خیمہ آدمیوں کے ساتھ ہے، اور وہ اُن کے ساتھ سکونت کرے گا، اور وہ اُس کے لوگ ہوں گے، اور خدا آپ اُن کے ساتھ ہوگا اور اُن کا خدا ہوگا۔ اور خدا اُن کی آنکھوں سے سب آنسو پونچھ ڈالے گا؛ اور پھر نہ موت رہے گی، نہ ماتم، نہ آہ و نالہ، اور نہ پھر کبھی درد ہوگا؛ اس لیے کہ پہلی چیزیں جاتی رہیں۔ اور جو تخت پر بیٹھا تھا اُس نے کہا: دیکھ، میں سب چیزوں کو نیا بنا دیتا ہوں۔ پھر اُس نے مجھ سے کہا: لکھ، کیونکہ یہ باتیں سچی اور پُر حق ہیں۔ اور اُس نے مجھ سے کہا: ہو چکا۔ میں الفا اور اومیگا ہوں، ابتدا اور انتہا۔ جو پیاسا ہے میں اُسے آب حیات کے چشمہ سے مفت دوں گا۔ جو غالب ائے گا وہ اِن سب چیزوں کا وارث ہوگا؛ اور میں اُس کا خدا ہوں گا، اور وہ میرا بیٹا ہوگا۔ لیکن بزدل، اور بے ایمان، اور گھناؤنے، اور خونی، اور زناکار، اور جادوگر، اور بت پرست، اور سب جھوٹے، اُن کا حصہ اُس جھیل میں ہوگا جو آگ اور گندھک سے جلتی ہے: یہی دوسری موت ہے۔ پھر اُن سات فرشتوں میں سے ایک، جن کے پاس اُن سات آخری آفتوں سے بھری ہوئی سیات پیالیاں تھیں، میرے پاس آیا اور مجھ سے کلام کرنے لگا، اور کہا: یہاں آ، میں تجھے دلہن، یعنی برہ کی بیوی، دکھاؤں گا۔ مکاشفہ 2:21-9۔

ہمسر حزقیال در آغاز محاصرہ می میرد، و او در آن جا «مشتہی چشمان» حزقیال خواندہ می شود؛ و در ویرانی اورشلیم کہ در همان فصل بیان شدہ است، اورشلیم «مشتہی چشمان» اسرائیل معرفی می گردد۔

بہر نائین سال ۾، ڏھین مھیني جي ڏھین تاریخ تي، خداوند جو ڪلام مون وٽ آيو، فرمائيندي، ... ۽ خداوند جو ڪلام وري مون وٽ آيو، فرمائيندي، اي ابن آدم، ڏس، آءٌ اوچتي ضرب سان تنهنجن اکين جي خواهش توکان وٺي ٿو وڃان؛ تنهن هوندي به تون نه ماتم ڪندين ۽ نه روئيندين، ۽ نه ئي تنهنجا ڳوڙها وهي نڪرندا. سسڪي ڪاڻڻ کان باز رهه، مثل لاءِ ڪو سوڳ نه ڪر؛ پنهنجي مٿي جو پڳ پاڻ تي ٻڌ، پنهنجا جوتا پنهنجن پيرن ۾ پا، پنهنجا چپ نه ڍڪ، ۽ ماڻهن جي ماني نه ڪاءِ. پوءِ مون صبح جو ماڻهن سان ڳالهه ڪئي؛ ۽ شام جو منهنجي زال مري وئي؛ ۽ ٻئي صبح مون ائين ئي ڪيو جيئن مون کي حڪم ڏنو ويو هو. تڏهن ماڻهن مون کي چيو، ڇا تون اسان کي نه ٻڌائيندين ته اهي ڳالهيون، جيڪي تون ائين ٿو ڪرين، اسان لاءِ ڇا معنيٰ رکن ٿيون؟

پس به ايشان پاسخ دادم: ڪلام خداوند بر من نازل شد که گفت: به خاندان اسرائيل بگو: خداوند يهوه چنين می فرماید: اينک من مقدس خود را، فخر قوت شما، مطلوب چشمان شما، و آنچه جان شما بر آن شفقت می ورزد، بی حرمت خواهم ساخت؛ و پسران و دختران شما که بر جای نهاده اید، به شمشير خواهند افتاد. و شما همان گونه که من کرده ام، خواهید کرد: لب های خود را نخواهید پوشانید، و نان مردمان را نخواهید خورد. و عمامه های شما بر سرهایتان خواهد بود، و کفش هایتان بر پاهایتان؛ نه ماتم خواهید گرفت و نه خواهید گریست، بلکه در گناهان خویش ذوب خواهید شد، و هر یک برای دیگری ناله خواهد کرد.

پس حزقیال برای شما نشانه ای خواهد بود؛ موافق هر آنچه او کرده است، شما نیز خواهید کرد؛ و چون این واقع شود، خواهید دانست که من يهوه خداوند هستم. و تو، ای پسر انسان، آیا در آن روز که قوت ايشان، شادی جلالشان، آرزوی چشمانشان، و آنچه دل خویش را بر آن می نهند، یعنی پسران و دخترانشان، از ايشان بگیرم، چنين نخواهد بود که در آن روز، آن که رهایی یابد نزد تو بیاید تا آن را به گوشه های بشنوند؟ در آن روز، دهان تو برای آن که رهایی یافته است گشوده خواهد شد، و سخن خواهی گفت و دیگر لال نخواهی بود؛ و برای ايشان نشانه ای خواهی بود؛ و خواهند دانست که من يهوه هستم. حزقیال 24:1، 27-15.

آغاز محاصره حزقی ایل کی مرغوب دل کی موت ۽، اور انجام آن اسرائیل کی مرغوب دل کی موت.

شنیدن، اما نشنیدن

پانچ مواقع ایسے ہیں جہاں بزرگوں یا لوگوں کو کسی نہ کسی صورت میں حزقی ایل کی بات سنتے ہوئے دکھایا گیا ۽۔ حزقی ایل 8:1 میں یہوداہ کے بزرگ اُس کے سامنے بیٹھتے ہیں۔ حزقی ایل 14:1 میں بزرگ آتے ہیں اور اُس کے سامنے بیٹھتے ہیں۔ حزقی ایل 20:1 میں اسرائیل کے بزرگ خداوند سے دریافت کرنے آتے ہیں۔ حزقی ایل 37:18 میں خدا حزقی ایل سے فرماتا ۽: "the children of thy people these" shall speak unto thee, saying, Wilt thou not shew us what thou meanest by these" چوبیس میں لوگ براہ راست پوچھتے ہیں: "thou doest so" thou not tell us what these things are to us, that so" یا لوگ لاؤدیکائی حالت میں ہیں۔

و او گفت: برو و به این قوم بگو: هرآینه خواهید شنید، اما نخواهید فهمید؛ و هرآینه خواهید دید، اما ادراک نخواهید کرد. دل این قوم را فربه ساز، و گوش های ایشان را سنگین کن، و چشمان ایشان را ببند؛ مبدا با چشمان خود ببینند، و با گوش های خود بشنوند، و با دل خود بفهمند، و بازگشت کنند، و شفا یابند. اشعیا 6:9، 10

پانچ نمائندگیاں اُن لوگوں کی ہیں جو سنتے ہیں مگر نہیں سنتے، اور پانچ نمائندگیاں اُن لوگوں کی ہیں جو دیکھتے ہیں مگر نہیں دیکھتے؛ اور یہ سب یسعیاہ کی گواہی میں اُن لوگوں کے پانچ مراحل کے مطابق ہیں جو دیکھنے اور سننے سے انکار کرتے ہیں۔

بلکه کلام خداوند برای ایشان چنین بود: حکم بر حکم، حکم بر حکم؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ این‌جا اندکی و آن‌جا اندکی؛ تا بروند و به عقب افتند، و شکسته شوند، و در دام گرفتار آیند، و اسیر گردند. اشعیا 28:13

و بسیاری از ایشان لغزش خواهند خورد، و سقوط خواهند کرد، و درهم شکسته خواهند شد، و در دام گرفتار خواهند آمد، و اسیر خواهند شد. اشعیا ۸:۱۵.

نشانیان

در فصل بیست‌و‌چهارم حزقیال، دوره‌ای که با محاصره و مرگ همسر حزقیال—محبوب چشم‌های او—آغاز می‌شود، با مرگ اورشلیم—محبوب چشم‌های اسرائیل—به پایان می‌رسد. این محاصره یک‌سال‌ونیمه نشان الفا و امگا را در خود دارد، و این دوره با نشانه‌ای آغاز می‌شود و با نشانه‌ای پایان می‌یابد. همان‌گونه که در حزقیال بیست‌و‌چهار آمده است، عیسی نیز در متی بیست‌و‌چهار نشانه محاصره را مشخص می‌سازد.

«سخنان مسیح در حضور شمار زیادی از مردم گفته شده بود؛ اما هنگامی که او تنها بود، پطرس، یوحنا، یعقوب و اندریاس نزد او آمدند، در حالی که بر کوه زیتون نشسته بود. ایشان گفتند: «به ما بگو، این امور کی واقع خواهد شد؟ و نشان آمدن تو و انقضای عالم چه خواهد بود؟» عیسی در پاسخ به شاگردان خود، ویرانی اورشلیم و روز عظیم آمدن خویش را جداگانه مطرح نکرد. او وصف این دو رویداد را درهم آمیخت. اگر او رویدادهای آینده را همان‌گونه که خود می‌دید بر شاگردانش آشکار می‌ساخت، ایشان تاب تحمل آن منظره را نمی‌آوردند. او از سر رحمت به ایشان، شرح این دو بحران بزرگ را به هم آمیخت و شاگردان را واگذاشت تا خود معنی آن را دریابند. هنگامی که او به ویرانی اورشلیم اشاره می‌کرد، سخنان نبوتی او از آن رویداد فراتر می‌رفت و به حریق نهایی در آن روز می‌رسید که خداوند از مکان خویش برخواهد خاست تا جهان را به سبب گناه ایشان مجازات کند، آنگاه که زمین خون خویش را آشکار خواهد ساخت و دیگر کشتگان خود را نخواهد پوشانید. این تمام گفتار نه فقط برای شاگردان، بلکه برای کسانی نیز داده شد که در آخرین صحنه‌های تاریخ این زمین زندگی خواهند کرد.»

«رو به شاگردان خود کرده، مسیح گفت: «آگاه باشید که کسی شما را نفریبد. زیرا بسیاری به نام من خواهند آمد و خواهند گفت: من مسیح هستم؛ و بسیاری را خواهند فریفت.» مسیحان دروغین بسیاری ظاهر خواهند شد، مدعی انجام معجزات خواهند بود، و اعلام خواهند کرد که زمان رهایی قوم یهود فرا رسیده است. اینان بسیاری را گمراه خواهند ساخت. سخنان مسیح تحقق یافت. در فاصله میان مرگ او و محاصره اورشلیم، مسیحان دروغین بسیاری پدیدار شدند. اما این هشدار همچنین به کسانی داده شد که در این عصر جهان زندگی می‌کنند. همان فریب‌هایی که پیش از ویرانی اورشلیم به کار گرفته می‌شد، در طول اعصار نیز به کار گرفته شده است و بار دیگر نیز به کار گرفته خواهد شد.»

«و چون اخبار جنگ‌ها و شایعات جنگ‌ها را خواهید شنید، آگاه باشید که مضطرب نشوید؛ زیرا همه این امور باید واقع شود، لیکن هنوز انتها نرسیده است.» پیش از ویرانی اورشلیم، مردمان برای برتری و سیادت با یکدیگر کشمکش می‌کردند. امپراتوران به قتل می‌رسیدند. آنان که گمان می‌رفت در کنار تخت سلطنت ایستاده باشند، کشته می‌شدند. جنگ‌ها و شایعات جنگ‌ها وجود داشت. مسیح فرمود: «همه این امور باید واقع شود، لیکن هنوز پایان [قوم یهود به‌عنوان یک قوم] نرسیده است. زیرا قومی بر قومی، و مملکتی بر مملکتی خواهد برخاست؛ و در جاهای مختلف قحطی‌ها و وباها و زلزله‌ها پدید خواهد آمد. همه اینها آغاز دردهاست.» مسیح فرمود: هنگامی که ربیان این نشانه‌ها را ببینند، آنها را داوری‌های خدا بر امت‌ها اعلام خواهند کرد، به سبب آنکه قوم برگزیده او را در بندگی نگاه داشته‌اند. آنان اعلام خواهند کرد که این نشانه‌ها

علامت ظهور مسیحاست۔ فریب مخورید؛ اینها آغاز داوری‌های اوست۔ مردم به خوشتن نگریسته‌اند۔ توبه نکرده و بازگشت ننموده‌اند تا من ایشان را شفا دهم۔ آن نشانه‌هایی که ایشان آنها را علامتِ رهایی خود از بندگی جلوه می‌دهند، نشانه‌های هلاکت ایشان است۔» آرزوی اعصار، ۶۲۸۔

محاصره اورشلیم در سال ۶۶، دربرگیرنده آن نشانه بود که روم عالم‌های خود را در صحن قدس برپا کرد۔ تفسیر عیسی از رویدادهای دوره ۶۶ تا ۷۰، ویرانی سال ۷۰ را با آمدن دوم او همسو ساخت؛ و با آمدن دوم او نیز نشانه‌ای مرتبط است۔

»به زودی چشمان ما به سوی مشرق کشیده شد، زیرا ابر سیاه کوچکی پدیدار شده بود، تقریباً به اندازه نصف دست انسان، که همه ما می‌دانستیم علامت پسر انسان است۔« The Day Star, 1846

ابتدا و انتهای تاریخ سال‌های 66 تا 70 میلادی، نشانه‌ای را در بر دارد که با آغاز محاصره و ویرانی شهر مرتبط است و با نشانه آلفا و امگای مرگ محبوب دیدگان در سال‌های 587 ق.م. و 586 ق.م. مطابقت دارد۔

تاریخ محاصره ڈیڑھ سالہ آخری ایام کے لیے ایک ”نشان“ ہے۔ حزقی ایل کی تاریخ میں ظاہر کی گئی نادان کنواریوں کا ہم مثل اُن دانش مند کنواریوں کی تاریخ میں پایا جاتا ہے جنہوں نے سن 66 میں محاصرے کے نشان کو دیکھا اور سلامتی کی جگہ کی طرف بھاگ گئیں۔ محاصره ڈیڑھ سالہ وہ نشان ہے جو پرستش کرنے والوں کی دو جماعتوں کو ظاہر کرتا ہے۔ ایک جماعت اس نشان کو سمجھ گئی، اور دوسری جماعت—جیسے یسعیاہ نے ”بہت سوں“ کے طور پر ظاہر کیا ہے—نہ دیکھ گئی نہ سنے گی۔

بہت سے اور تھوڑے##

پس پادشاہ بہ خادمان گفت: او را دست‌وپا بسته، از اینجا بیرون ببرید و در ظلمت بیرونی بیفکنید؛ در آنجا گریہ و فشردن دندان‌ها خواهد بود۔ زیرا بسیاری خوانده می‌شوند، اما اندکی برگزیده‌اند۔ متی 13:22، 14۔

پس آخراں اولین خواهند شد، و اولین آخرین؛ زیرا بسیاری خوانده می‌شوند، اما اندکی برگزیده‌اند۔ متی 16:20۔

د لیدلو او اوربدلو لپارہ

در کتاب حزقیال پنج مثل عملی وجود دارد، و همچنین پنج بار حزقیال با رہبران و مردم سخن گفت۔ این دو شاهد، آن پنج باکرہ نادان را کہ از »دیدن« سر باز می‌زنند و از »شنیدن« نیز امتناع می‌کنند، مشخص می‌سازند۔ آنان از دیدن یا شنیدن آن معرفتی کہ فزونی می‌یابد، هنگامی کہ عیسی، کہ چون شیر سبط یهودا کلام نبوتی خود را مهرگشایی می‌کند، سر باز می‌زنند۔

جهان خواهد دید و خواهد شنید

اے دنیا کے سب باشندو، اور زمین کے رہنے والو، دیکھو، جب وہ پہاڑوں پر جھنڈا بلند کرے؛ اور جب وہ نرسنگا پھونکے، تو سنو۔ یسعیاہ 18:3۔

و در آن روز کران سخنان کتاب را خواهند شنید، و چشمان نابینایان از میان تیرگی و از دل ظلمت خواهند دید۔ اشعیا 29:18۔

قوم من احمق و ابلہ هیچ معرفتی ندارند

تا به کی علم را بینم و آواز کرنا را بشنوم؟ زیرا قوم من احمقاند و مرا نشناخته‌اند؛ ایشان فرزندان ابله‌اند و هیچ فهم ندارند: در بدی کردن حکیم‌اند، اما در نیکویی کردن هیچ دانشی ندارند. ارمیا ۲۱:۴، ۲۲

این را در خاندان یعقوب اعلام کنید، و آن را در یهودا ندا دهید، و بگویید: اکنون این را بشنوید، ای قوم نادان و بی‌فهم؛ که چشمان دارید و نمی‌بینید؛ و گوش‌ها دارید و نمی‌شنوید. ارمیا ۲۰:۵، ۲۱

ایک سرکش گهرانه

کلام خداوند نیز بر من نازل شد که: «ای پسر انسان، تو در میان خاندان عاصی ساکن هستی؛ که چشمان دارند تا ببینند، اما نمی‌بینند؛ گوش‌ها دارند تا بشنوند، اما نمی‌شنوند؛ زیرا ایشان خاندان عاصی‌اند.» حزقیال ۱۲:۲

از این رو با ایشان به مثل‌ها سخن می‌گویم، زیرا با آنکه می‌بینند، نمی‌بینند؛ و با آنکه می‌شنوند، نمی‌شنوند و نیز در نمی‌یابند. و در ایشان نبوت اشعیا تحقق می‌یابد که می‌گوید: «به شنیدن خواهید شنید و نخواهید فهمید؛ و به دیدن خواهید دید و ادراک نخواهید کرد. زیرا دل این قوم سنگین شده است، و گوش‌هایشان در شنیدن کند گشته، و چشمان خود را بسته‌اند؛ مبادا هرگز با چشمان خود ببینند و با گوش‌های خود بشنوند و با دل خود بفهمند و بازگشت کنند، و من ایشان را شفا دهم.»

اما چشمان شما مبارک است، زیرا می‌بینند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنوند. زیرا هرآینه به شما می‌گویم که بسیاری از انبیا و عادلان آرزو داشتند آنچه را شما می‌بینید، ببینند، و ندیدند؛ و آنچه را شما می‌شنوید، بشنوند، و نشنیدند. متی ۱۳:۱۳-۱۷.

راه کهنه

خداوند چنین می‌فرماید: «بر راه‌ها بایستید و بنگرید، و از طریق‌های کهن بپرسید که راه نیکو کدام است، و در آن سلوک نمایید؛ و برای جان‌های خویش آرامی خواهید یافت.» اما ایشان گفتند: «در آن سلوک نخواهیم کرد.» «و نیز دیدبانانی بر شما گماشتم که گفتند: به آواز کرنا گوش فرا دهید.» اما ایشان گفتند: «گوش نخواهیم داد.» ارمیا ۱۶:۶، ۱۷

پیام ۱۸۴۰-۱۸۴۴

«همه پیام‌هایی که از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ داده شد، باید اکنون با قوت بیان شود، زیرا بسیاری از مردم جهت‌گیری خود را از دست داده‌اند. این پیام‌ها باید به همه کلیساها برسد.»

مسیح فرمود: «خوشا به حال چشمان شما، زیرا می‌بینند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنوند. زیرا هرآینه به شما می‌گویم که بسیاری از انبیا و مردان عادل آرزو داشتند آنچه را شما می‌بینید، ببینند و ندیدند؛ و آنچه را شما می‌شنوید، بشنوند و نشنیدند» [متی ۱۳:۱۶، ۱۷]. خوشا به حال چشمانی که آن چیزهایی را دیدند که در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ دیده شد.

«پیام داده شد. و در تکرار این پیام نباید هیچ تأخیری باشد، زیرا نشانه‌های زمان در حال تحقق‌اند؛ کار پایانی باید انجام شود. کاری عظیم در زمانی کوتاه انجام خواهد شد. به زودی، به تعیین خدا، پیامی داده خواهد شد که به فریادی بلند بدل خواهد گشت. آنگاه دانیال در جایگاه خویش خواهد ایستاد تا شهادت خود را بدهد.» Manuscript Releases, جلد ۲۱، ۴۳۷.

.The prompt asks to translate into “ps,” but the target language/code is ambiguous. Please specify what “ps” refers to

در کتاب حزقیال پنج بار آمده است کہ او مثلی را «به نمایش درآورد» کہ قوم از دیدن آن سر باز زدند، و نیز پنج بار با همان قوم «سخن گفت» کہ از شنیدن امتناع کردند۔ این دو شاهدِ مثل به نمایش درآمده و سخن گفتن، به پنج بارکہ جاهل عرضه شدند۔ یکی از این امثال به نمایش درآمده، کہ در فصل چهارم آمده است، «نشانه» محاصره را نمایان می سازد کہ از ویرانی قریب الوقوع هشدار می دهد۔ پیام حزقیال، همان پیام به لائودیکیه است۔

«نشان» ی کہ برای لائودیکیه داده شده است، «نشان محاصره» است، و محاصره ایام آخر به وسیله چندین شاهد به تصویر کشیده شده است۔ تنها نشانی کہ به یهودیان روزگارِ مسیح داده شد، نشان یونس بود، کہ مثلی عملی از سه روز در شکم نهنگ را مجسم می سازد۔

آنگاه گروهی از کاتبان و فریسیان در پاسخ گفتند: «ای استاد، می خواهیم نشانه ای از تو ببینیم۔» اما او در جواب ایشان گفت: «نسلی شریر و زناکار در پی نشانه می گردد؛ و هیچ نشانه ای بدو داده نخواهد شد، جز نشانه یونس نبی۔ زیرا همان گونه کہ یونس سه روز و سه شب در شکم نهنگ بود، پسر انسان نیز سه روز و سه شب در دل زمین خواهد بود۔» متی 12:38-40۔

نشانه یونس

نشانه یونس مثلی عملی از قیام از مرگ بود۔ یوحنا نیز نماینده همین حقیقت است، زیرا او را در دیگی از روغن جوشان افکندند و زنده بیرون آمد۔ دانیال در چاه شیران و آن سه مرد برگزیده در تنور نبوکدنصر، نماینده قیام از مرگ هستند۔ همه این ها نماینده آن صد و چهل و چهار هزار نفرند کہ در باب یازدهم مکاشفه قیام می کنند۔

«خیالاتِ نجات دهنده اب ماضی اور مستقبل کے غور و فکر سے واپس آئیں۔ جبکہ لوگ اُس چیز کی توضیح کرنے کی کوشش کر رہے تھے جو انہوں نے دیکھی اور سنی تھی، اپنے ذہنوں پر پڑنے والے تاثرات کے مطابق اور اُس روشنی کے مطابق جو انہیں حاصل تھی، 'یسوع نے جواب دے کر کہا، یہ آواز میری خاطر نہیں آئی، بلکہ تمہارے سبب سے۔' یہ اُس کی مسیحائی کی تاج دار گواہی تھی، باپ کی طرف سے یہ نشان کہ یسوع نے سچ کہا تھا، اور وہ خدا کا بیٹا تھا۔ کیا یہودی آسمان اعلیٰ کی اس گواہی سے پھر جاتے؟ انہوں نے ایک بار نجات دہندہ سے پوچھا تھا، تو کون سا نشان دکھاتا ہے تاکہ ہم دیکھیں اور ایمان لائیں؟ مسیح کی خدمت کے تمام عرصہ میں بے شمار نشان دیے گئے؛ تاہم انہوں نے اپنی آنکھیں بند کر لیں اور اپنے دل سخت کر لیے، ایسا نہ ہو کہ وہ قائل ہو جائیں۔ لعزر کے جی اٹھنے کا اعلیٰ ترین معجزہ بھی اُن کے بے ایمانی کو دور نہ کر سکا، بلکہ انہیں مزید خباثت سے بھر دیا؛ اور اب جبکہ باپ نے خود کلام کیا تھا، اور وہ کسی مزید نشان کا مطالبہ نہ کر سکتے تھے، اُن کے دل نرم نہ ہوئے اور وہ پھر بھی ایمان لانے سے انکار کرتے رہے۔» Spirit of Prophecy، جلد 3، 79۔

אלעזר היה אות התחייה כפי שהומחש ביונה בבטן הלווייתן. קולו של האב בקשר לאלעזר שקם לתחייה מייצג את צירוף של האלוהות והאנושות, שהוא, כמובן, טבעו של המשיח, אשר לבש על עצמו בשר אנושי. צירוף האלוהות עם האנושות הוא הנס של המאה וארבעים האלפים, ואלעזר הוא אות כוח התחייה המגשים את חיבור הבורא עם הנברא.

«با برخیزانیدن ایلعازر، بسیاری به ایمان آوردن به عیسی هدایت شدند۔ در نقشه خدا چنین بود کہ ایلعازر پیش از آنکہ نجات دهنده برسد، بمیرد و در قبر نهاده شود۔ برخیزانیدن ایلعازر معجزه اوج مسیح بود، و به سبب آن بسیاری خدا را تمجید کردند۔» Manuscript Releases، جلد 21، ص. 111۔

ایلعازر اورشلیم میں شاہانہ داخلے کی پیشوائی کر رہا تھا، اور وہ قیامت کی وہ زندہ "نشانی" تھا جس کی تمثیل یوناہ کے ذریعے پیش کی گئی ہے۔

«لعازر، که بدنش در قبر فساد را دیده بود، اما اکنون در نیروی مردانگی باشکوه شادمان بود، حیوانی را که نجات دهنده بر آن سوار بود، هدایت می کرد.» آرزوی اعصار، ۵۷۲.

ورود ظفرمندان به اجتماع اردویی اکستر همراستا است؛ اجتماعی که تحقق آغازین مثل ده باکره بود، و از این رو «نشانه» ی یونس و ایلعازر را با تحقق اُمگا و کامل اعلان این پیام همراستا می سازد: «اینک داماد می آید!»

«پسا اوقات مرا به مثل ده باکره ارجاع می دهند، که پنج تن از ایشان دانا بودند و پنج تن نادان. این مثل تا به آخرین حرف تحقق یافته است و تحقق خواهد یافت، زیرا کاربردی ویژه برای این زمان دارد و همچون پیام فرشته سوم، تحقق یافته است و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود.» Review and Herald, August 19, 1890.

یونس، ایلعازر، اور سیموئیل اسنو کا ایکسیٹر کے کیمپ اجلاس میں دیر سے پہنچنا حزقی ایل کی «محاصرے کی نشانی» کے مطابق ہے۔ ایلعازر نے مسیح کو ایک گدھے پر سوار ہو کر یروشلم میں داخل کروایا۔

«بیتس یکی از رهبران مهم گردهمایی اردویی اگزتر (نیوهمپشر) در اوت ۱۸۴۴ بود؛ همان گاه که «ندای حقیقی نیمه شب» نخستین بار عرضه شد. اتفاقاً بیتس واعظی بود که برای خدمت صبح آن روز در اردو برگزیده شده بود. او شنوندگان خود را به وفاداری ترغیب می کرد و با آرامش به آنان اطمینان می داد که خدا صرفاً در حال آزمودن ایشان است، که آنان در زمان تأخیر به سر می برند، و مطالبی از این دست، که در همین هنگام ساموئل اس. اسنو سوار بر اسب به اردوگاه وارد شد. اسنو، پس از آنکه در کنار خواهر خود، خانم جان کوچ، نشست، بار دیگر بر یقین خود تأکید کرد که مسیح در وقت معین ظاهر خواهد شد. خانم کوچ که به شدت متأثر شده بود، با برخاستن و اعلام این سخن، حاضران را شگفت زده کرد: «اینک مردی است با پیامی از جانب خدا!» لیروی فروم، The Prophetic Faith of our Fathers، جلد ۴، ۵۴۹.

په ۱۵۲۱ کال د اپریل په میاشت کې، مارتین لوتر د اس له خوا راکشول کېدونکې گاډۍ کې د وورمز شورا ته سفر وکړ، هلته یې د پاپي دودونه او رواجونه رد کړل او ویې ویل: «تر هغه چې زه د مقدسو صحیفو په شهادت یا په څرګند عقل قانع نه شم... زه له هېڅ شي څخه نه شم او نه به واورم، څکه د وجدان پر خلاف تلل نه خوندي دي او نه سم. زه دلته ولاړ یم. بل څه نه شم کولی. خدای دې زما مرسته وکړي. آمین.»

वरिध का प्रवेश के लूथर ने अधिकारियों पोपीय ही वैसे, कयिा वरिध का प्रवेश वजियी के मसीह ने फ़रीसियों जैसे ,गया दयिा छपिा में एकांत वह और) है प्रतीक एक का मुहरबन्दी जो (लयिा बदल नाम अपना ने लूथर तब कयिा। मध्यरात्रि उस प्रसूत उसकी में सभा की वर्म्स था। रहा कर अनुवाद में भाषा जर्मन का नयिम नए वह जबकि जन्म को आजजा-मृत्यु से ओर की शक्तियों की राज्य-कलीसिया की समय उस जसिने, थी प्रतरूप का पुकार गुप्त तक महीने दस से नाम के' यॉर्ग युंकर 'ठहरी। प्रतरूप भी का व्यवस्था की रविवार वह प्रकार इस; दयिा के पंचम चार्ल्स भ्रष्ट मुख्यतः वह और, था चुका बदल संकट उत्पन्न से ओर की अधिकारियों, बाद के रहने उसी जो, थे इस्लाम और फ़्रांस संकट सैन्य दो वे था। गया हो परणित में समस्याओं सैन्य दो उपस्थिति सामने रहा कर सामना का मानवजात आज जो, है करते प्रतनिधित्व का—इस्लाम और समाजवाद—गठबंधन अपवतिर है।

«کار خدا در زمین، از عصری به عصر دیگر، در هر اصلاح عظیم یا جنبش دینی، شباهتی چشمگیر را آشکار می سازد. اصول رفتار خدا با انسان ها همواره یکسان است. جنبش های مهم زمان حاضر، همانند هایی در جنبش های گذشته دارند، و تجربه کلیسا در اعصار پیشین، برای زمان ما درس هایی بس ارزشمند در بر دارد.» جدال عظیم، 343.

خری که په دست ایلغاز هدایت می‌شد، مسیح را به اورشلیم آورد؛ کالسکه‌ای اسبی، لوتر را به مجلس ورمس رسانید؛ و اسبی، اسنو را به اجتماع اردویی اکستر آورد؛ بدین‌سان، خر و اسب—که هر دو از اعضای خانواده «Equidae» در سرده «Equus» هستند—به‌عنوان نشان پیام ندای نیمه‌شب شناسانده می‌شوند.

بسیار شادمان باش، ای دختر صهیون؛ بانگ شادی برآور، ای دختر اورشلیم: اینک پادشاه تو نزد تو می‌آید؛ او عادل است و نجات با اوست؛ فروتن است و بر الاغی سوار، و بر کره‌الاغ، بچه‌الاغ. زکریا ۹:۹

نشان پیام فریاد نیمه‌شب، آمدن الاغ یا اسب است که هر دو نماد اسلام‌اند. پیام‌آور برگزیده پیام حقیقی فریاد نیمه‌شب بر اسبی وارد شد، در هماهنگی با آمدن مسیح بر الاغ. «محاصره» در ایام آخر با تحقق این تصریح‌الن وایت مشخص می‌شود که شهر نشویل باید به‌وسیله «گل‌وله‌های آتشین» مورد اصابت قرار گیرد.

محاصره چرا از گوی‌های آتشین نشویل آغاز می‌شود؟ آیا از آن روست که اسلام در کلام نبوی خدا به‌وسیله الاغ و اسب نمایانده شده است؟

سمیرنا

شهنشاه نیرون د سمیرنا د کلیسا د دور پیل ن‌ب‌ه کوي، هغه مهال چې د روم بن‌ار په ۶۴ کال کې وسوځول شو. دغه ن‌ب‌ه د مسیحي کلیسا د څ‌ورونې د پیل ن‌ب‌ه ده، چې د دوو سوو او پن‌څ‌وسو کلونو په موده کې ترسره شوه او په ۳۱۳ کال کې د میلان په فرمان سره پای ته ورسېده. د څ‌ناور د ان‌ځ‌ور جوړېدل د الفا هغه ن‌ب‌ه څ‌رگ‌ندوي چې یوه دوره پیلوي، او دغه دوره د اومی‌گا په ن‌ب‌ه پای ته رسېږي، کومه چې د ن‌رډې راتلونکې یکشنبې د قانون پر مهال د څ‌ناور د ن‌بن‌ان له خوا تمثیل شوې ده. دغه دوره داسې پېژندل شوې چې له «فرمانونو» سره پیلېږي.

«اگر خواننده بخواهد عوامل و ابزارهایی را که در نبرد به‌زودی درپیش‌آمده به کار گرفته خواهند شد، درک کند، کافی است سرگذشت وسایلی را که روم در قرون گذشته برای همان مقصود به کار برد، دنبال کند. اگر بخواهد بداند پایان و پروتستان‌ها، در اتحاد با یکدیگر، با کسانی که اصول اعتقادی ایشان را رد می‌کنند چگونه رفتار خواهند کرد، بگذارد روحیه‌ای را ببیند که روم نسبت به سبت و مدافعان آن آشکار ساخت.»

«فرامین سلطنتی، شورا‌های عمومی، و احکام کلیسایی که به‌وسیله قدرت دنیوی پشتیبانی می‌شدند، مراحلی بودند که به‌واسطه آن‌ها عید بت‌پرستانه به مقام افتخار خود در جهان مسیحیت دست یافت. نخستین اقدام علنی برای الزام رعایت یکشنبه، قانونی بود که به‌وسیله قسطنطین وضع گردید. (321) 321 یادداشت ضمیمه برای صفحه 53 را ببینید.) این فرمان از شهرنشینان می‌خواست که در «روز محترم خورشید» استراحت کنند، اما به روستاییان اجازه می‌داد که به فعالیت‌های کشاورزی خود ادامه دهند. هرچند این قانون عملاً قانونی بت‌پرستانه بود، امپراتور پس از پذیرش اسمی مسیحیت آن را به اجرا گذاشت.» The Great Controversy, 574

نخستین فرمان سلطنتی که گذار از کلیسای اسمیرنا به کلیسای پرغامس را رقم زد، فرمان میلان در سال ۳۱۳ بود. این فرمان، نخستین گامی را نمایندگی می‌کرد که به نخستین قانون یکشنبه در سال ۳۲۱ انجامید. ویرانی اورشلیم نمادی از قانون یکشنبه است، و دو شاهد نبوی محاصره‌ای را مشخص می‌سازند که پیش از آن ویرانی رخ داد. آن دو محاصره، که به‌وسیله سومین محاصره بابل در ۵۸۷ ق.م. و دومین محاصره روم در سال ۷۰ میلادی نمایان شده‌اند، نشان می‌دهند که نشان راهی که

پیش از نشان راه قانون یکشنبه قرار دارد، یک محاصره نبوی است.

نبوکدنصر بر یهوایقیم، سپس یهوایقین، و سرانجام بر صدقیا محاصره افکند. کستیوس در سال 66 میلادی محاصره کرد و آن نشانه‌ای را که عیسی به کلیسا داده بود، به انجام رسانید؛ همان‌گونه که سومین محاصره در 587 پیش از میلاد حامل نشانه مرگِ همسر حزقیال بود. نشانه راهی که پیش از نابودی اورشلیم قرار دارد، محاصره است، و آن همچنین «نشانه» نیز هست. نشانه راهی که پیش از قانون یکشنبه سال 321 قرار داشت، فرمان میلان بود؛ جایی که گذار از کلیسایی (اسمیرنا) که محکومیتی بر آن نیست، به پرغامس، نماد کلیسایی مصالحه‌کار، صورت گرفت.

لِهذا فرمان میلان ایک نبوتی محاصره کا آغازے، اور یہ ایک نشانی بھی ہے۔ یہ اُس مقام کی بھی نشان دہی کرتا ہے جہاں ایک لاکھ چوالیس ہزار کی لاؤدیقیہ تحریک، ایک لاکھ چوالیس ہزار کی فیلدلفیائی تحریک میں منتقل ہوتی ہے۔

فیلادلفیا و سیمیرنا، تنها دو کلیسا از هفت کلیسای مکاشفہ را نمایندگی می‌کنند که هیچ محکومیتی بر آنها وارد نشده است. این واقعیت نیز به نوبه خود آن انتقال را به عنوان انتقال کلیسای مجاهد به کلیسای ظفرمند مشخص می‌سازد. آن انتقال با فرمان میلان هم‌راستا است، جایی که جنبش ایام آخر صد و چهل و چهار هزار نفر، آن کلیسای هشتم می‌گردد که از آن هفت است. فیلادلفیا و سیمیرنا همچنین تنها دو کلیسایی هستند که با کسانی در کشاکش‌اند که ادعا می‌کنند یهودی‌اند، اما در حقیقت از کنیسه شیطان هستند.

آن نشانه راه 313 همچنین با گردهم‌آیی اردویی اکستر از 12 تا 17 اوت 1844 نیز انطباق دارد. هنگامی که آن گردهم‌آیی اردویی پایان یافت، آن پیام همچون موجی خروشان سراسر کرانه شرقی ایالات متحده را درنوردید تا آنکه در 22 اکتبر 1844 در بسته شد.

«چون موجی سهمگین، این حرکت سراسر آن سرزمین را فراگرفت. از شهری به شهری، از دهی به دهی، و تا نواحی دورافتاده روستایی پیش رفت، تا آنکه قوم منتظر خدا به‌طور کامل بیدار شدند. تعصب افراطی در برابر این اعلام، همچون شبنم یخبندان بامدادی در برابر خورشید برآینده، ناپدید شد. ایمانداران دیدند که شک و سرگشتگی‌شان برطرف گردیده است، و امید و شجاعت دل‌های ایشان را جان بخشید. این کار از آن افراط‌هایی که همواره هنگامی ظاهر می‌شود که هیجان انسانی بدون نفوذ مهارکننده کلام و روح خدا وجود دارد، مبرا بود. از حیث ماهیت، همانند آن موسم‌های فروتنی و بازگشت به سوی خداوند بود که در میان اسرائیل قدیم، در پی پیام‌های سرزنش‌آمیز خادمان او پدید می‌آمد. این حرکت، ویژگی‌هایی را در خود داشت که عمل خدا را در هر عصر مشخص می‌سازد. شادی شورمندانه و خلسه‌آمیز در آن اندک بود، بلکه بیشتر تفتیش عمیق دل، اعتراف به گناه، و ترک دنیا دیده می‌شد. آمادگی برای ملاقات با خداوند، بار جان‌های به‌غایت مضطرب بود. در آن، دعای پایدار و تخصیص بی‌قیدوشرط خویشتن به خدا وجود داشت.» نبرد عظیم، 400، 401.

بسته شدن در در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، نمونه‌ای از قانون یکشنبه‌ای است که به زودی خواهد آمد؛ و نشانه‌ای که پیش از در بسته ۲۲ اکتبر قرار داشت، گردهمایی اردویی اکتر بود. بنابراین، گردهمایی اردویی اکتر با فرمان میلان هم‌راستا است. همچنین با ورود ظفرمندانه مسیح نیز هم‌راستا است.

de la miezul nopții nu a fost dus atât de mult prin argument, deși dovada 250,,
Scripturii era limpede și concludentă. Îl însoțea o putere constrângătoare care mișca
sufletul. Nu era nici îndoială, nici punere la îndoială. Cu ocazia intrării triumfale a lui
Hristos în Ierusalim, oamenii care se adunaseră din toate părțile țării ca să țină
sărbătoarea s-au îndreptat în mulțime spre Muntele Măslinilor, iar când s-au unit cu

gloata care Îl însoțea pe Isus, au fost cuprinși de inspirația ceasului și au contribuit la sporirea strigătului: «Binecuvântat este Cel ce vine în Numele Domnului!» [Matei 21:9.]

În același fel, necredincioșii care se îngrămădeau la adunările adventiste — unii din curiozitate, alții numai ca să batjocorească — au simțit puterea convingătoare care însoțea solia: «Iată, Mirele vine!» "Spirit of Prophecy, volumul 4, 250,,

فرمان میلان آن محاصره نبوی را نشان می‌دهد که به وسیله نبوکدنصر در ۵۸۷ ق.م. و به وسیله کستیسوس در سال ۶۶ به طور نمادین پیش‌نموده شد. آن دو محاصره، به ترتیب، به ویرانی اورشلیم در ۵۸۶ ق.م. و ۷۰۰ انجامید. محاصره کستیسوس پایان یافت و سه سال و نیم بعد، محاصره زیر فرمان تیتوس از سر گرفته شد؛ بدین‌سان دوره نبوی‌ای فراهم آمد که با یک فرمانروای رومی آلفا آغاز می‌شود و با یک فرمانروای امگا پایان می‌پذیرد. آن سه سال و نیم نمایانگر پایمال شدن اورشلیم به دست پاییت است، و نیز قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد، هنگامی که زخم مهلک پاییت شفا می‌یابد و او بار دیگر برای سه سال و نیم نمادین سلطنت می‌کند.

اما صحن بیرونی معبد را واگذار و آن را اندازه مگیر؛ زیرا به امت‌ها داده شده است، و ایشان شهر مقدس را چهل و دو ماه پایمال خواهند کرد. مکاشفه ۱۱:۲

در سال ۵۳۸، و سپس بار دیگر با فرا رسیدن قانون یکشنبه، پایمال شدن اورشلیم آغاز می‌شود. آن دو قانون یکشنبه به وسیله سال ۳۲۱ نمایش داده شدند، هنگامی که کنستانتین کبیر نخستین قانون یکشنبه را وضع کرد. در سال ۵۳۸، به پاییت قدرت داده شد تا به مدت سه سال و نیم کلیسای خدا را آزار رساند (پایمال کند)، چنان‌که این امر در تاریخ فاصله میان کستیسوس تا تیتوس به تصویر کشیده شده است. در سال ۵۳۸، پاییت در سومین شورای اورلئان قانونی یکشنبه وضع کرد. قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد، مشخص می‌سازد که چه زمانی پاییت بار دیگر قدرت می‌یابد تا هیکل را پایمال کند (آزار برساند).

313 نخستین فرمانی را مشخص می‌سازد که به نخستین قانون یکشنبه در سال 321 انجامید. سپس در سال 330، امپراتوری به گونه‌ای نبوی به شرق و غرب تقسیم شد، و بدین‌سان فرجام امگایی دومین دوره آزار پایی «چهل‌ودو» ماه نمادین را رقم زد—دوره‌ای از آزار و پایمال کردن که با قانون یکشنبه آلفا در ایالات متحده آغاز شد.

و فرشته سوم از پی ایشان آمد و با آواز بلند گفت: اگر کسی وحش و صورت او را پرستش کند و نشان او را بر پیشانی خود یا بر دست خود بگیرد، همان نیز از شراب غضب خدا خواهد نوشید که بی‌آمیغ در پیاله خشم او ریخته شده است؛ و او در حضور فرشتگان مقدس و در حضور بره، به آتش و گوگرد عذاب خواهد شد. و دود عذاب ایشان تا ابدالآباد برمی‌خیزد؛ و آنان که وحش و صورت او را پرستش می‌کنند و هر که نشان نام او را می‌پذیرد، شبانه‌روز آرامی ندارند. این است صبر مقدسان؛ اینان‌اند که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه می‌دارند. مکاشفه ۹:۱۴-۱۲.

ساده‌دلان

معنای لاتینی «میلان» «میانۀ دشت» است. در میانۀ شرق و غرب، در سال ۳۱۳، کنستانتین غرب در پی اتحادی با لیسینیوس شرق برآمد. این فرمان بیانگر تلاشی برای گرد آوردن شرق و غرب بود، و این فرمان از طریق یک ازدواج معاهده‌ای، هنگامی که کنستانتینا، خواهر ناتنی کنستانتین، با لیسینیوس ازدواج کرد، مهر تأیید یافت. با این همه، همان‌گونه که نخستین ازدواج معاهده‌ای دانیال یازده میان سلوکیان شمال و بطلمیوس جنوب مقدر بود که به شکست انجامد، این ازدواج نیز سرنوشتی جز شکست نداشت، زیرا آن مثل کهن تحقق یافت که می‌گوید: «شرق، شرق است و غرب، غرب، و این دو

هرگز به هم نخواهند رسید.»

سال «۳۳۰» به طور مستقیم در دانیال یازده، آیات بیست و چهار، بیست و هفت و بیست و نه، ارائه شده است. این امر هفده سال ۳۱۳ تا ۳۳۰ را به خط نبوتی دانیال یازده وارد می‌سازد، و بنا بر ضرورت نبوی، آن ازدواج معاهده‌ای شرق و غرب در ۳۱۳ را به عنوان موازاتی با نخستین ازدواج معاهده‌ای در همان فصل شناسایی می‌کند.

«پیشگویی باب یازدهم دانیال قریب به آن است که به طور کامل به انجام رسد. بخش بزرگی از تاریخی که در تحقق این پیشگویی رخ داده است، بار دیگر تکرار خواهد شد.» Manuscript, Releases شماره 13، 394.

انطیوخوس دوم، ملقب به «تئوس»، که از ۲۶۱ تا ۲۴۶ ق.م. سلطنت کرد، همسر نخست خود، لائودیکه اول، را کنار نهاد تا با برنیکه، دختر بطلمیوس دوم فیلادلفوس مصر، ازدواج کند. این ازدواج بخشی از پیمان صلحی بود که در سال ۲۵۲ ق.م. به جنگ دوم سوریه پایان داد. هنگامی که قسطنطین پس از آن در سال ۳۲۴ میلادی لیسینیوس را شکست داد، این ازدواج نیز پایان یافت؛ چنان‌که ازدواج انطیوخوس و برنیکه نیز پایان یافت، آنگاه که لائودیکه، همسر نخست، در سال ۲۴۶ ق.م. انطیوخوس را مسموم کرد. آن ازدواجی که نشانه پایان جنگ دوم سوریه بود، و قتل انطیوخوس، و سپس قتل برنیکه و فرزندش و همراهان مصری او، آغازگر جنگ سوم سوریه گردید. ازدواج پیمانی سال ۳۱۳ به دوره آزار و جفایی که به وسیله کلیسای اسمیرنا نمایانده شده است پایان داد و دوره مصالحه‌ای را آغاز کرد که به وسیله کلیسای پرغامس نمایانده شده است.

ازدواجی که در آغاز تاریخ سلوکیان رخ داد، نمونه پیشینی ازدواج معاهده‌ای در پایان امپراتوری سلوکی بود، هنگامی که آنتیوخوس بزرگ دختر خود، کلئوپاترای اول، را به بطلمیوس پنجم اپیفانس داد. این ازدواج در رافیا در سال ۱۹۳ ق.م. انجام شد، اما این اتحاد به زودی پایان یافت، همان‌گونه که نخستین ازدواج معاهده‌ای میان پادشاه شمال و پادشاه جنوب نیز پایان یافته بود. ازدواج‌های معاهده‌ای آلفا و امگای امپراتوری سلوکی، نمونه پیشینی ازدواج معاهده‌ای هستند که بعدتر در تاریخ نبوی دانیال یازده به آن اشاره شده است، هنگامی که اکتاوایان خواهر خود، اکتاوای صغری، را در سال ۴۰ ق.م. به مارک آنتونی داد. مارک آنتونی و اکتاوایان بر سر نواحی شرقی و غربی روم در کشاکشی قدرت بودند که در سال ۴۴ ق.م. با ترور ژولیوس سزار آغاز شده بود. معاهده برون‌دیزیوم در هنگام آن ازدواج در سال ۴۰ ق.م. برقرار شد، و هشت سال بعد، در سال ۳۲ ق.م.، مارک آنتونی رسماً اکتاوای را طلاق داد و بدین‌سان نبرد آکتیوم را در سال ۳۱ ق.م. شتاب بخشید؛ جایی که هم مارک آنتونی و هم کلئوپاترا، (آخرین کلئوپاترا)، به پایان رسیدند.

معاهده ازدواج امگای امپراتوری سلوکی، نخستین کلئوپاترا را پدید آورد که نمونه کلئوپاترای آخر بود؛ و سلسله نسب او پیوندی را با معاهده ازدواج الفای نبوی امپراتوری روم در ۴۰ ق.م. تشکیل داد. این سه ازدواج معاهده‌ای، نمونه ازدواج معاهده‌ای فرمان میلان هستند. فرمان میلان آغاز یک محاصره نبوی را مشخص می‌سازد؛ نشانه‌ای نبوی را نمایان می‌کند؛ گذار یک کلیسای عادل به کلیسایی ناعادل را رقم می‌زند، و بدین‌سان با معمای هشتمینی که از آن هفت است همسو می‌گردد. این فرمان، ازدواجی معاهده‌ای را نشان می‌دهد که جنگی را پایان می‌بخشد، تا هنگام طلاق آن ازدواج معاهده‌ای، و بدین‌گونه آغاز جنگی را رقم می‌زند. در دو ازدواج رومی، طلاق موجب تسریع اتحاد امپراتوری می‌شود. سال ۳۱۳ همچنین گردهمایی اردویی اکستر را مشخص می‌سازد، جایی که اعلام پیام ندای نیمه شب آغاز می‌شود و به در بسته ۲۲ اکتبر می‌انجامد.

هم اگله مضمون میں ان حقائق پر غور و فکر کا سلسلہ جاری رکھیں گے۔